

موش آزمایشگاه یا الاغ آزمایشی؟!

از «دکتر عزیزاله سلیم پوره»

نیس - فرانسه

آزمایش وارد مرحله جدیدی میشود که آن آزمایش روی جانداران آزمایشگاهی است. یعنی اثر آن بر روی غورباغه یا ماهی سپس بر روی موش ها و در مرحله بعدی بر روی خرگوشها تا بالاخره نوبت به سگ زیان بسته میرسد. سگ بیچاره را عمداً مریض میکنند تا ببینند آیا با این داروی جدید میتوان او را دوباره شفا داد و خصوصاً آیا اثرات جانبی این داروی جدید از داروی قدیمی کمتر است یا نه. در اینجا است که انجمن های حمایت حیوانات سر و صدایشان بلند میشود و در فرانسه رئیس کل آنها هنرپیشه معروف سابق فرانسه بریژیت باردو قهرمان زیبای فیلم «و خدا زن را آفرید» است که حتماً هنوز عده ای آنرا بخاطر دارند. ضمناً شاید ذکرش بی لطف نباشد که چند سال پیش همین خانم بریژیت باردو، الاغی را که گویا مورد ستم صاحبش قرار گرفته بود خرید و هم اکنون این الاغ خوش شانس در باغ خانم بریژیت باردو در «سن تروپه» دوران بازنشستگی را میگذراند!

باری اینها در کوچه و خیابان راه میافتند و از قساوت قلب دانشمندان و از بیهوده آزار دادن این حیوانات بیگناه توسط محققین شکایت میکنند. بارها این مسئله را به پارلمان کشیده اند تا این آزمایشها را روی سگها منع کنند ولی تا کنون موفق نشده اند. معذک این آزمایشها خیلی بیش از سابق تحت کنترل قرار گرفته و تا آنجا که ممکن است سعی میشود از آزار و اذیت بیهوده این حیوانات جلوگیری شود. پس از این مرحله اگر بی ضرر بودن داروی جدید همراه با منافع درمانی اش ثابت شد به سراغ حیوانات بزرگتر و نزدیک به انسان میروند، مثلاً شامپانزه (میمون). این مرحله آزمایش تحت کنترل بیشتر و شدیدتر انجام میشود و در صورت جواب مساعد آزمایش وارد مرحله انسانی میشود که آنهم در چهار مرحله انجام میشود. در مرحله اول این دارو بر روی بیماران که آخرین روزهای خود را طی میکنند و پزشکان درد آنان را لاعلاج تشخیص داده و بقول اصفهانیهها آنها را «جوابی» کرده اند بکار میبرند تا ببینند آیا ممکن است چند روزی با این دوا بر طول عمرشان اضافه شود یا نه. در صورت جواب مثبت، مراحل دیگری بهمین ترتیب طی میشود تا بالاخره این دارو به بازار بیاید و بیماران با امید فراوان و بدون ترس از عواقب ناخوشایندش آنرا خریداری کرده از آن استفاده کنند. این مراحل از اول تا آخر در حدود ۸ الی ۱۰

شماره ۴۰۴ «پیام» امروز بدستم رسید. مثل همیشه قبل از شروع کار با عجله و شتاب یادداشت سردبیر و سپس صفحه های بعدی را یک به یک خواندم تا رسیدم به «الاغ تروریست!» از خواندنش چنان به خنده افتادم که سکرترم که بدقترم آمد با دیدن من او هم بدون اینکه علت خنده ام را بداند شروع به خندیدن کرد.

خرابکارهای فلسطینی که تاکنون با بمب بستن به کمر فرزندان سانه لوح خود آنها را به کشتن میدانند تا عده ای مرد و زن، پیر و جوان و کوک بیگناه اسرائیلی و یا غیر اسرائیلی را به هلاکت برسانند اکنون به این مرحله از دانش و فضل رسیده اند که از این پس برای اجرای امیال پلید خود از الاغ استفاده میکنند!

بلافاصله به دفتر «پیام» تلفن کردم تا ببینم نکند این یک طنز و یا باصطلاح جوکی باشد؛ که اینطور نبود. واقعیت این عمل با رجوع به اینترنت نیز تأیید شد؛ آنوقت یواش یواش خنده ام از میان رفت و کم کم تعجب و اندوهی اعماق قلبم را فشرد.

...

آیا خوانندگان عزیز مجله «پیام» میدانند داروئی را که بسادگی میروند از داروخانه یا بقول شما از «دراگ استور» میخرند چه مراحل را طی کرده و در حقیقت از چه هفت خوان های رستمی گذشته تا مسئولین کشور اجازه به بازار آمدن و فروشش را بدهند؟ آیا میدانند از زمانیکه باصطلاح اولین خشت ساختمان یک داروی جدید گذاشته میشود تا آن ساختمان یعنی آن داروی جدید مورد استفاده قرار گیرد چه مشکلات و امتحانات و کنترل هائی را باید پشت سر بگذارد و چه افراد گوناگون و در چه مدتی باید کار کنند؟

اجازه بدهید تا بطور اختصار این مراحل را خدمتان عرض کنم.

وقتی یک پژوهشگر فکر کرد با جابجا کردن چند اتم از یک فورمول شیمیائی داروی مؤثر جدید و یا حداقل مؤثرتر از داروهای موجود و با اثرات جانبی کمتر میتواند ایجاد کند، هنگامیکه پس از هفته ها، ماهها و گاهی سالها به ساختن آن دارو دست یافت، آنرا بر روی میکربهائی که در لوله های آزمایش جمع کرده آزمایش میکند تا ببیند آیا واقعاً این دارو از داروی قبل مؤثرتر هست یا نه. در صورت جواب مثبت،

سال بطول میانجامد. تازه موقعی که دارو متداول شد، ممکن است پس از یکی دو سال در اثر پدیدار شدن بعضی از اثرات ناخواسته و یا بدتر از آن، مرگ چند بیمار، ناگهان استفاده از آن دارو متوقف گشته، فروشش توسط مقامات عالی کشور ممنوع میشود و زحمات ده ساله ده ها نفر پژوهشگر و میلیونها دلار در یک روز به هدر میرود. زیرا



یکی از مهمترین وظایف رهبران و مقامات عالی کشور حفظ جان و سلامت شهروندانشان است.

حالا شما تصور کنید مقامات «عالی» و رهبران گروههای خائن و تروریست پرور فلسطینی کشتن و کشته شدن را اول روی پسران بیگناه خود آزمایش کردند سپس دختران را که از نظر بعضی از اعراب نصف انسان و در نظر «طالبان» افغانی اصلاً انسان محسوب نمیشوند بسوی مرگ فرستادند. برای اثبات مؤثر بودن بزرگترین کشف قرن بیستم، کودکان خود را نیز فدا کردند و حالا نوبت به الاغ بدبخت رسیده که نمیدانم چرا و روی چه حسابی به خرید معروف شده است!

حتماً در مراحل بعدی سگ و گربه و سپس خوکچه هندی و موش و... و... جای این الاغ بیچاره را خواهند گرفت. این خنده ندارد، این گریه آور است که جان انسانها برای بعضی از رهبران فلسطینی تا این حد بی ارزش و بی قدر و قیمت باشد. حال میخواد جان دوست باشد یا جان دشمن؛ فرقی نمیکند.

مگر سعدی نمیگوید «میازار موری که دانه کش است/ که جان دارد و جان شیرین خوش است؟»

مگر تلمود نمیگوید «کسی که یک جان را نجات داد، بشریت را نجات داده است و کسی که یک انسان را کشت مانند آن است که تمام انسانها را کشته باشد.»

در اینجا از ذکر نام عبدالوهاب مددب و مقاله وزین او در شماره ۲۷۲ ژانویه ۲۰۰۳ مجله «Histoire» تحت عنوان «سیاهترین دوران تاریخ اعراب» نمیتوانم خودداری کنم.

عبدالوهاب مددب میگوید:

گهواره تمدن نورانی دنیای عرب امروز از نظر فرهنگی بجز

بیابانی خشک و بی علف چیزی نیست.

عبدالوهاب مددب نویسنده و استاد ادبیات تطبیقی (اروپا/اسلام) در دانشگاه شماره ۱۰ پاریس در رادیو «فرانس کولتور» مجری برنامه ای به همین عنوان است. هر دو کتاب اخیرش جایزه های بنامی را در فرانسه گرفته اند که آخرینش «بیماری اسلام» نام دارد و برنده جایزه نام آور «فرانسوا موریاک» گردید.

عبدالوهاب مددب مینویسد: امروز عرب بودن در اولین دید افتخارآمیز است زیرا مربوط به یک سنت قدیمی و سرشار از علم و دانش است. اما در عین حال این امر اندوه آور و مایوس کننده است که انسان شاهد زوال و ورشکستگی فرهنگی و فاصله غیر قابل تصویری باشد که بین امروز یا زمانی که فرهنگ عرب در اوج آفاق درخشان بود موجود است.

گزارشی که سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ انتشار داد وحشتناک است: امروز در دنیای عرب ۵۰ درصد زنان سواد خواندن و نوشتن ندارند. در تمام دنیای عرب ۳۳۰ کتاب در سال به عربی ترجمه میشود یعنی یک سوم کتابهایی که در یونان فقط به یونانی ترجمه میگردد.

درآمد سرانه تمام کشورهای عربی با وجود نفتشان از اسپانیا کمتر است. امروز اعراب در هیچ یک از برنامه های فرهنگی و پژوهشی دنیا سهمی ندارند و شریک نیستند و تنها اعرابی در این راه گامی برمیدارند که در خارج از کشورهای عربی بسر میبرند و جستجوها و تحقیقات خود را بزبان آن کشورها انتشار میدهند.

عبدالوهاب مددب مقاله جامع و جالب خود را با تحلیل علل این انحطاط پایان میدهد:

اول: اسلام وهابی عربستان سعودی

دوم: حکمفرمایی رژیمهای دیکتاتوری در تمامی کشورهای عربی.

باید آرزو کرد این رژیمهای متعصب و زورگو، روزی سرنگون گشته و رژیمهای آزاد و روشنگر و دلسوز برای ملتشان جایگزین آنان گردند. آرزو «آزمایشهای خطرناک» را اول بر روی حیوانات انجام داده و سپس محصولات تکمیل شده آنها را برای رفاه هموعان خود مورد استفاده قرار خواهند داد!